

بررسی نقش زنان در خلق شادی در اساطیر

فریبا رئیسی^۱



چکیده

در تاریخ اساطیری ایران، نخستین آفریده مادی آسمان است که اور مزد به یاری او شادی را می‌آفریند. حضور یک زن نمادین در آسمان (ناهید) که در ادب فارسی مظهر شادی و طرب است، این باور را در ذهن متبار می‌کند که میان مظاهر طبیعت، زن و شادی پیوندی وجود داشته است. به علاوه ایرانیان زمین را یکی از امیشانپندان مقدس می‌دانند که با ویژگی تانیث خلق شده است و در واقع حکم دختر اهورا مزدا را دارد و برگزاری جشن‌ها و آیین‌های خاص زمین به نوعی احترام به این مادر اساطیری است. در مراسم سال نو که آغاز طبیعت است خدابانوی زمین به همه چیز زندگی می‌دهد و مردم را برای برگزاری مراسم سرور همگانی آماده می‌کند. لذا قدرت زایش و باروری زمین و وجود ایزد بانوانی با مظاهر قدرت، حاصلخیزی، باروری، عشق و شادی تحت نام‌های خاص در اساطیر جوامع کهن این پیوند را مستحکم تر می‌کند.

کلید واژه‌ها: زن، خدابانو، شادی، ایران باستان، جشن

۱ - عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت، فارس- ایران.

هدف

بررسی رفتارهای آینی هر فرهنگ، بنیاد و حقیقت کلی آن فرهنگ را معرفی می‌کند. در واقع جستجو برای یافتن هویت فرهنگ هر قوم یکی از مشغله‌های پژوهشگران عصر حاضر است. از اواسط قرن نوزدهم متخصصین فرهنگ مردم (فولکلور) متوجه مشابهت‌های فراوانی میان اساطیر متعلق به زمان‌ها و محیط‌هایی کاملاً مختلف و متنوع شدند. از طریق اسطوره‌ها می‌توان به نموداری از تکامل انسان‌ها دست یافت و تغییر و تحولاتی را که در طی زمان داشته‌اند، شناسایی کرد زنان که بخش مهمی از بدنۀ اسطوره‌های هر قوم را تشکیل می‌دهند، در طول تاریخ با افت و خیزهای اجتماعی فراوانی رویرو بوده‌اند. پیکرک‌های زنانه‌ای که متعلق به خدابانوان بوده در معرفی نقش، وظایف و توانمندی‌های زنان در طول تاریخ مخصوصاً تاریخ اساطیری هر قوم بسیار گویا هستند. خلق شادی توسط زنان در تفکر ایران باستان نیز به دلیل اهمیت فراوانش در زیربنای روان اجتماعی، هدف اصلی نوشته حاضر است. در این مقاله به بررسی جایگاه شادی در اسطوره‌های ملل کهن و نیز نقش زنان در خلق و پرورش این پدیده پرداخته شده است. هدف، تاثیر نقش زنان در ساختار روانی اجتماع با مبنا قرار دادن اصل "شادی" است. همچنین نشان دادن سیر تحول اندیشه انسان‌ها در جوامع مختلف با تکیه بر عنصر اسطوره‌ای "زن" از دیگر اهداف این تحقیق می‌باشد.

مبانی تحقیق

اسطوره‌ها به عنوان بخشی از فولکلور هر قوم جایگاه خاصی را در فرهنگ عامه به خود اختصاص داده‌اند. اسطوره‌ها در همه حوزه‌های زندگی شخصی کاربرد دارند زیرا هیچ چیزی از اسطوره چدانیست. بسیاری از شاعران دانش اسطوره شناسی را

در اشعار حماسی یا سرودهای ملی و رزمی وارد کردند. عده‌ای نیز اسطوره‌ها را در کتاب‌های مقدس جای دادند و عده‌ای دیگر اسطوره‌ها و شخصیت‌های اساطیری را به صورت قصه درآوردند

ملل و اقوام مختلف جهان دارای مجموعه‌ای از اساطیر بوده و هستند که مطالعه آن گذشته از جذابیت داستان‌ها، نمایانگر سیر تحول اندیشه انسانی است. تاثیر اساطیر در زندگی ما به حدی است که روان‌شناسان پیرو مکتب یونگ کهن الگوهای اساطیری را مشخص کننده رفتار فرد می‌دانند و معتقدند که برای نفوذ و شناخت ناخودآگاه جمعی و فردی باید اساطیری را مد نظر قرار داد که در ذهن آن فرد یا جمع ساری و جاری و در حال تعامل است. پس شناخت اساطیر، علاوه بر سیر تحول اندیشه انسانی، برای درک و شناخت انسان‌کنونی و الگوهای فکری و رفتاری او ضروری است. سعی در شناخت بهتر اساطیر، تنها خواندن مجموعه‌ای از داستان‌های زیبا نیست، بلکه روشی است برای تحقیق و شناخت عمیق تری از محتوای درونی اندیشه بشری که در قالب داستان و قصه رخ می‌نمایاند. زن و نقش او به عنوان بخشی از پیکره اساطیر در طی هزاره‌های تاریخ در حال دگرگونی و تغییر بوده است. این تحقیق تلاش دارد تا با معرفی برخی از خدابانوان اساطیری به نقش آنان در آفرینش و خلق شادی اشاره‌ای کوتاه نماید. در واقع اگرچه مقام اجتماعی زن در طول تاریخ گاه در اوج و گاه در حضیض بوده اما آنچه مسلم است این است که زن همواره در آفرینش شادی و آرامش نقشی غیر قابل انکار و نیز تغییر ناپذیر داشته است.

سوال تحقیق

موضوع بحث، پیدایش باورها و اعتقادات ملل کهن نسبت به مادر – خدایان و جستجوی رفتارهای آیینی مربوط به آنان در قلمرو شادی است. برای دست یافتن به

این بررسی نخست باید افق‌های گسترده‌تری را مد نظر قرار داد که از جمله پرداختن به باورهای دولت‌های صاحب تمدن غیر از ایران در گستره تاریخ اساطیری است. طرح این سئوال که "به چه دلیل زنان در برهه‌ای خاص از زمان نسبت به مردان صدر نشین تر بوده‌اند؟" باعث انجام پژوهش‌هایی در خصوص جایگاه زنان در جوامع مختلف بوده است. در این مقاله به سئوالات زیر پاسخ داده شده است: جایگاه خدابانوان در اسطوره‌های ملل کهن و نقش آنان در بقای جامعه چه بوده است؟ خدابانوان در خلق شادی چه نقشی داشته‌اند؟ در مبحث اسطوره‌شناسی ایران زنان چه ویژگی‌هایی داشته‌اند؟ آیا شادی عنصری زنانه است؟

پیشینه تحقیق

تقدس زن بیشتر از جنبه داشتن احساسات و عواطف مادرانه و نقش او در جوامع سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی موضوع اکثر پژوهش‌ها بوده است. از سویی توجه به آیین‌ها و مراسم اساطیری که از دیرباز در میان جوامع مختلف رایج بوده نیز مورد توجه بسیاری از پژوهشگران است اما پرداختن به اصل شادی و مراسم آیینی مربوط به آن و نقش آفرینی زنان در این خصوص کمتر مورد توجه پژوهشگران بوده است. در فولکلور مردم ایران تمامی آداب و رسوم شادی بخش بدون حضور و نقش زن و مادر بی معنی است. در ساختار شناسی قصه‌های مردمی و نیز در افسانه‌ها نقش مادر در ایجاد فضایی شاد مهمترین کارکرد را به خود اختصاص داده است. این نقش از دیرباز در اسطوره‌ها نیز وجود داشته است و حضور ایزد بانوان با کارکردهایی چون بخشنده‌گی، پاکی، شادی، زیبایی، دانایی در اساطیر ناشی از این تفکر باستانی است که ماهیت وجودی زن با این عناصر پیوندی ناگستینی داشته و دارد.

روش شناسی

روش تحقیق بر مبنای پژوهش‌های کتابخانه‌ای است که به صورت مراحل فیش برداری و جمع آوری اطلاعات تهیه شده است. بخشی از این پژوهش نیز در حیطه فولکلور شناسی و جمع آوری داده‌های مردمی بوده که به صورت میدانی و با استفاده از فولکلور برخی از مناطق ایران شامل جمع آوری قصه‌ها و ضرب المثل‌ها و مراسم آیینی در ارتباط با نقش زنان تدوین گردیده اما جهت جلوگیری از اطاله کلام از ذکر آن خودداری شده و به صورت مقاله‌ای جداگانه ارائه خواهد شد.

بحث و نتیجه گیری

در تفکر ایرانیان باستان خلق شادی به عنوان یکی از مظاهر خلقت مینوی از اهمیت فراوانی برخوردار است. در سنگ نبشته نقش رجب از زبان داریوش آمده است: "بغ بزرگ است اهورامزدا که این بوم را بداد، که مردم را بداد، که مردم را شادی بداد." (بهار، ۱۳۷۲: ۴۹)

طبق اسطوره زندگی زرتشت یکی از معجزات این پیامبر آن بوده که موقع زادن خندي. (آموزگار، ۱۳۷۰: ۴۲)

در گزیده‌های زادسپریم علت خنده زردشت چنین توجیه شده است که در هنگام تولد او اهریمن، سپاهی از دیوان را برای نابودی اش فرستاد و ایزدان به کمک فره به مقابله با دیوان پرداختند. اهریمن که خود را در حال شکست دید دیو "اکون" (اندیشه بد) را گسیل کرد و اورمزد به مقابله او بهمن (اندیشه نیک) را فرستاد. بهمن در اندیشه زرتشت در آمد و با آن درآمیخت و چون بهمن مینوی شادی آفرین است، زرتشت هنگام تولد خندي.

بر اساس اسطوره‌های خلقت در ایران باستان اورمزد در شش مرحله آفرینش را

به وجود آورد. نخستین آفریده مادی آسمان است که اورمزد به یاری او شادی را آفرید و پس از آن زمین، آب، گیاه، حیوان و انسان را آفرید. آسمان در اندیشه ایرانیان باستان "همچون جنگجوی دلیری است که در برابر حمله اهربیمن ایستاده است." (آموزگار، ۱۳۷۴: ۳)

لذا می‌توان او را مظہر قدرت و مردانگی به شمار آورد. زمین که در مرحله بعد آفریده شد، امشاسب‌پندی مقدس است که با ویژگی تانیث خلق گردیده و در واقع حکم دختر اهورامزدا را دارد. باروری، زایش، رویش، برداری و آرامش از ویژگی هایی است که برای زمین در نظر گرفته شده است. بنابراین در تصور مردمان عصر کشاورزی زن همزاد زمین است. برگزاری جشن‌ها و آیین‌های خاص زمین به نوعی احترام به این مادر اساطیری یا "مادر کبیر" است. در مراسم سال نو که آغاز طبیعت است، این خدابانوی زمین است که به همه چیز زندگی می‌دهد و مردم را برای برگزاری مراسم سرور همگانی آماده می‌کند. به همین دلیل قدرت زایش و باروری زمین و وجود ایزد بانوانی با مظاہر قدرت، حاصلخیزی، باروری، عشق و شادی تحت نام‌های خاص در اساطیر جوامع کهنه این پیوند را مستحکم تر می‌کند.

در باور این جوامع "جامعه کشاورزی زایش را تقویت می‌کند و زایندگان (مادران) که خوراک دهنده‌گان نیز هستند مورد ستایشند. زنان همانگونه که خود می‌زایند زمین را نیز بارور می‌کنند. زن مادر انسان و مادر زمین است. او مادر کبیر است. چشممه زندگی در سینه‌های او جاری است. پس آب‌های شیرین و رودهای پهناور نیز در اختیار اوست. شیر مادر انسان را تغذیه می‌کند و آب شیرین، زمین را. از درون هردو زندگم، جدید آغاز می‌شود که پر کت است." (لاهیجہ، کار، ۱۳۷۱: ۵۰)

برکتی که از حضور زمین در آفرینش ناشی می‌شد، زمینه شادمانی رانیز فراهم می‌کرد. زیرا پرستش این دیانتو از عهد باستان یک اصل، یذیر فته شده به شمار می‌بود

و برگزاری جشن‌ها و آیین‌های خاص زمین به نوعی احترام به این مادر اساطیری یا مادر کبیر است. در مراسم سال نو که آغاز زندگی جدید طبیعت است این خدا بانوی زمین است که به همه زندگی می‌دهد و مردم را برای برگزاری مراسم سرور همگانی آماده می‌کند.

در تقویم ایرانیان باستان هر روز نامی داشته است. دوازده روز از سی روز ماه هم نام با ماههای دوازده گانه بوده است و اگر یکی از این روزها با نام ماه خود یکی می‌شد مردم آن روز را به جشن و شادی می‌پرداخته‌اند و در واقع در هر ماه یک روز به جشن و شادی اختصاص داده می‌شده است که بعضی از این جشن‌ها به افتخار خدا بانوان برگزار می‌شد. از جمله آنها می‌توان به "سپندارمذ روز"، "امداد روز" و "آبانگان" اشاره کرد.

جشن "سپندارمذ روز" در اسفند ماه برگزار می‌شده و به عید زنان یا مزدگیران معروف بود و تا روزگار ابو ریحان در اصفهان و ری هنوز بر جای بوده است. به گفته ابو ریحان "این عید به زنان اخصاص داشت و چون زنان بر شوهران خود مسلط بوده‌اند و از آنها آرزو می‌خواستند و هدیه می‌گرفتند به مردگیران یا مزدگیران شهرت یافته است" (بیرونی، ۱۳۷۱: ۱۳۰).

جشن آبانگان نیز در آبان روز (دهم آبان) برگزار می‌شده است یکی از مهم ترین جشن‌های ایرانیان باستان بوده که به آناهیتا ایزد بانوی آب تعلق داشته است. "آبان یشت" یکی از مهم ترین یشت‌های اوستاست که به ستایش عنصر آب پرداخته می‌شود و مندرجات آن شامل دو بخش است: قسمتی در مدح و توصیف "ناهید" فرشته آب است و قسمتی از آن در ذکر پادشاهان و پهلوانانی است که برای ناهید قربانی کرده اند. اهمیت آب در نزد ایرانیان باستان به گونه‌ای بوده است که مردم برای آن آوازه‌ای شادی آفرین می‌خوانده و مراسم دسته جمعی انجام می‌داده اند. و آن را

برای زندگیشان منشا خیر و برکت و شادی می‌دانسته اند، او را سپاس می‌گفته‌اند و آینه‌هایی را بر خود واجب می‌کرده‌اند.

"آفریجگان" نیز یکی دیگر از جشن‌هایی است که ایرانیان در تقدس الهه آب برپا می‌کرده‌اند. این جشن که در بیشتر مدارک به "آفریجگان اصفهان" مشهور است، جشنی است که در روز سی ام بهمن ماه برگزار می‌شده است و به نام‌های "آب ریزگان" و "آب پاشان" نیز معروف بوده است. جشن مذکور تا قرن ۱۱ هجری قمری در اصفهان رایج بوده و طبق گفته مولف عالم آرای عباسی، شاه عباس کبیر این جشن را در بیست و سومین سال جلوس خود در چهار باغ برپا می‌کرده است.

(ترکمان، ۱۳۸۹: ۷۸۸)

بیرونی و گردیزی، زمان پیدایش این جشن را به دوران فیروز، جد انوشیروان و علت آن را بارش باران پس از چندین سال خشکسالی ذکر کرده‌اند که در پی تصرع فیروزشاه به درگاه خداوند باران بارید و فیروز در بیابان فارس در محلی که امروز "کام فیروز" نامیده می‌شود، این جشن را برپا کرده بود.

اما دکتر یا حقی معتقد است که این "جشن برخلاف آنچه بیرونی و گردیزی آورده‌اند بسیار قدیمی تر بوده و در واقع این جشن با "آب تیرگان" که در اصل به ستایش و نیایش آب به عنوان مهم ترین و بزرگترین عنصر هستی و مادر و شالوده آفرینش و زندگی و باروری بوده است پرداخته می‌شده و سابقه آن در ایران به چند هزار سال قبل از میلاد مسیح و به روایتی به زمان منوچهر می‌رسد" (یا حقی، ۵۰: ۱۳۷۵) در میان امشاسبیندان سه امشاسبیند سپندارمذ، امرداد و خرداد مونث هستند. سپندارمذ فرشته موکل بر زمین، امرداد فرشته موکل بر گیاه و خرداد فرشته موکل بر آب است. با اندکی دقت می‌توان به این نتیجه رسید که اکثر جشن‌های ایران باستان در تقدس این سه عنصر بوده است.

جشن مردادگان که به نام "جشن نیلوفر" نیز شهرت داشته است از دیگر جشن هایی بوده است که در هفتم امردادماه برگزار می شده و روزی خجسته و مبارک به شمار می رفته است.

جشن مهم دیگری که تا امروز نیز توسط ایرانیان با شکوه و تقدس خاصی برگزار می شود "یلدا" است. در واقع این روز، روز تولد میترا یا الهه مهر بوده است. ایرانیان این روز را با تلفظ سریانی اش "یلدا" می نامیدند. این آیین بعدها به عنوان یک روز مقدس با آیین مهری به اروپا رفت. یلدا طولانی ترین شب سال است که پس از آن آفتاب از برج قوس به برج جدی تحويل می شود و روزها اندک بلند می گردد. ایرانیان در این شب تا زمان بازآمدن خورشید به دور آتش شادی می کردند و خوان می گستردند و میزد و نثار می کردند که بازمانده این مراسم هنوز بر جاست. در ادب فارسی شعراء زلف یار را از حیث سیاهی و بلندی به شب یلدا تشییه کرده اند."(یاحقی،

(۴۶۵ : ۱۳۷۵)

جشن نوروز نیز که بزرگترین و با شکوهترین اعیاد ایرانیان به شمار می رود، ارتباط بسیار نزدیک و مستقیمی با زمین، مادر کبیر طبیعت دارد. در واقع خدا بانوی زمین است که شادی همگانی مردم را باعث می شود و موجبات تفریح و نشاط مردم در دامن طبیعت را فراهم می آورد. تجدید و تکرار آیینی این جشن‌ها گواه ارزش والای شادی و تفریح در تفکر و اندیشه ایرانیان باستان بوده است. مراسم خاصی که در نوروز اجرا می شود نیز هر کدام به نوبه خود دارای اهمیت خاص است. همه این مراسم، مراسمی شاد و مقدس و زیبا هستند. سنت پاکیزه خانه تکانی، برافروختن آتش به نشانه قداست آتش در نزد ایرانیان، پوشیدن لباس‌های زیبا و پاکیزه و نو، چیدن سفره هفت سین و اعتقاد به قداست عدد هفت، کاشتن سبزی و هفت نوع از غلات (که در ایران قدیم میان مردم مرسوم بود هر کدام از این غلات که بهتر می روید

۲۷۲ نشانه وفور آن نوع غله در طول سال بود)، دید و بازدیدهای نوروزی، عیدی دادن،

بازگشت به طبیعت، یاد کردن ارواح در گذشتگان و اجرای دهها رسم خوب و پستنده

از پیامدهای دیگر این ایام است که عموماً توسط بانوان انجام می‌گیرد.

با بررسی برخی از این افسانه‌ها و اسطوره‌های کهن در ایران و سایر ملل جهان

می‌توان زن را به عنوان نمادی برای شادی در نظر گرفت.

حضور یک زن نمادین در آسمان (زهره) که مظهر شادی و طرب است، این باور

را در ذهن مبتادر می‌کند که میان مظاهر طبیعت، زن و شادی پیوندی وجود داشته

است. "ابوریحان بیرونی در "التفہیم" رابطه زهره با آب، سپیدی، رویش، طرب و

شادی را انکار ناپذیر می‌داند و زهره را که سعد اصغر نامیده می‌شود با ویژگی‌های

تائیث، حسن وجه و طرب معرفی می‌کند و او را کوکب اهل طرب و ستاره مخصوص

زنان و اهل لهو و شادی می‌داند. ابوریحان زهره را چنین توصیف می‌کند: "زنی است

نشسته بر اشتر و در پیشش بربیط است و همی زند." (بیرونی، ۳۸۹: ۱۳۷۱) به همین

دلیل زهره را ایزد موسیقی و سرپرست رامشگران و خنیاگران می‌شمرده‌اند و کارها و

صفات نوازنده‌گان را مظهر جلوه‌ای از صفات بی شمار او می‌دانسته‌اند:

خیزای مطرب و بخوان غزلی هین که زهره رباب می‌آرد (عطار/ ۱۳۱)

زهره خنیاگریت گر نکند (انوری / ۱۰۸)

طالعش گر زهره باشد در طلب میل کلی دارد و عشق و طرب (مولوی / ۴۶/ ۷۲)

آری چو ماه و زهره به یک جا قرین کنند عیش و نشاط و شادی و لهو اقتضا کنند (مسعود سعد)

در علم نجوم تیر یا عطارد، نر و زهره و ماه، ماده معرفی می‌شوند. بنا بر کتب

نجومی روز آدینه به زهره اختصاص دارد و به همین دلیل در شعر فارسی این روز،

شادی آور و طرب انگیز شمرده شده است.

نسفی نیز معتقد است که هنگام تطبیق اعضای آدمی بر اجرام و فلك "گرده، آسمان سوم است و نمودار فلك زهره است. از جهت آنکه زهره گرده عالم کبیر است و در این فلك ملائکه بسیارند و ملکی که موکل است بر نشاط و فرج و شهوت، سور این ملائکه است." (عزیز الدین نسفی، ص ۱۴۷)

بت "عزی" در جاهلیت را به زهره منسوب دانسته‌اند و بت ابوالهول را صورت زهره دانسته‌اند که در آن انواع آلات لھو و لعب تعییه شده است. در منابع تورات، زهره با نام "عشتاروت" و ملکه آسمان‌ها معرفی شده است.

نام دیگر زهره "ناهید" به معنی پاک و آب توانای بی آلایش است مورخین یونانی ناهید را که "آناهیت" نیز خوانده می‌شد با "آرتیمس" الهه عصمت و عفت یونانی یکی می‌دانسته‌اند و مورخین رم و بیزانس او را "دیانا" می‌نامیدند. ستایش ناهید در ایران باستان رایج بوده و ایرانیان به ایجاد معابد خاص خواسته اند. این معابد اغلب در کنار رودهای پرآب بنا می‌شده است.

پژوهشگران علم فولکلور نیز بر این باورند که مردمی که در مناطق بی آب یا کم آب زندگی می‌کنند بیشتر دچار افسردگی و خمودی می‌شوند و در ادب عامیانه نیز ضرب المثل "هرجا آب است آبادی هم هست"، ناشی از همین باور است. لذا حضور زن و نقش او در آبادانی بنای خانواده کامل با این عقیده مطابقت می‌کند. در قرآن کریم نیز آیه "و جعلنا من الماء كل شئ حى" (از آب هر چیزی را زنده گرداندیم) تاکیدی بر این مدعای تواند باشد.

یکی دیگر از جنبه‌های بارز شادی و خوشی که در اندیشه مردم جایگاه خاصی را به خود اختصاص داده است "بهشت" است. بهشت مظهر آرامش، شادکامی، تفریح و خوشی است:

جنت خلد و خور و خواب و سرود (اقبال / ۳۳۳)

جنت نقد است اینجا، عیش و عشرت تازه کن زانکه در جنت خدا بر بنده ننویسد گناه (حافظ، ۱۳۷۸: ۳۷۱)

در متون عرفانی بهشت، مظهر جمال و زیبایی خداوند و نمونه کامل تمامیت خوشی است. توجه به اسمای فردوس، طوبی، رضوان و مینو، مونث بودن بهشت را غیر قابل انکار می‌کند.

در افسانه‌های ملل کهن نیز شادی با عنصر زنانه ارتباطی تنگاتنگ دارد. در واقع این زن است که یا شادی را می‌آفریند و یا به پرورش آن می‌پردازد. پیدایش باورها و اعتقادات ملل کهن نسبت به "مادر خدایان" و جستجوی رفتارهای آیینی مربوط به آنان در قلمرو شادی گواهی بر ادعایی ماست.

در اسطوره‌های سومری نیز از ایزد بانویی به نام "اینانا" یاد می‌شود که حامی شهر اروک است. او پس از آنکه به یاری گیل گمیش قهرمان بر تخت سلطنت نشست، تصمیم گرفت رفاه و شادی مردم را افزایش دهد. برای تحقق این امر لازم بود به قوانین آسمانی خدای خرد دست یابد. لذا عازم جایگاه افسانه‌ای "خدای خرد" (انکی) می‌شود. و از او شادمانی را طلب می‌کند. "خدای خرد او را گرامی داشت و ۱۴ بار با شادی اینانا جام خود را از می‌پر کرد و نوشید. اینانا او را سپاس گفت و نیایش کرد:

انکی (خدای خرد) به من آستان مقدس داد

به من ابزار موسیقی با پژواک داد

به من هنر آواز خوانی داد

به من شادمانی دل‌ها داد

از آن پس مردم سومر نیایش‌های هفتگانه‌ای را به درگاه این ایزد بانو به جا می‌آوردند که سرشار از شادی و نشاط بود. خواندن سروド شادمانی نیز یکی از این نیایش‌ها بود. در این مراسم مردم با پوشیدن لباس‌های رنگین و به جا آوردن مراسم قربانی در جشنی بزرگ شرکت می‌کردند. سروودی که تجسم یک شادی همگانی بوده و همراه با رژه از برابر پرستش گاه خدابانو خوانده می‌شده است.

به نظر می‌رسیده که موسیقی در این جشن نقش مهمی به عهده داشته است. پس از عبور دوشیزگان و کاهنه‌های شمشیر به دست از برابر جایگاه، لحظه مهم و اوج مراسم فرا می‌رسید. کاهن با شمشیر خون آلود آیین سمبولیک قربانی را به جا می‌آورد. در این لحظه موسیقی قطع می‌شده و سکوت همه جا را فرا می‌گرفته سپس با ظاهر شدن ستاره شامگاهان در آسمان که تجسم حضور شهبانوی آسمانی در جشن بود، طبل‌ها و شیپورها را بار دیگر به نوا درمی‌آورند و شادمانی با آواز همگانی ادامه می‌یافتد."

(لاهیجی / کار، ۹۲:۱۳۷۱-۹۳)

در اندیشه مردمان عصر کشاورزی گریه زنان و نقش آنها در مراسم شیون و عزاداری نیز نقشی متفاوت با تصور امروزین از گریه بوده است. آنها معتقد بودند که اشک سبب باروری می‌شود و آن را نماد باران می‌دانستند. همانطور که آب، زمین را بارور می‌کند و تاثیری مثبت بر جای می‌گذارد، اشک نیز تاثیری سرور بخشن در روحیه افراد داشته است." داود در کتاب مقدس می‌سراید: آنانکه با اشک کشتند با شادی درو می‌کنند او که دانه گران بها با خود دارد و به پیش می‌رود و می‌گرید، بی گمان با شادی باز خواهد گشت و دسته‌های غله را با خود خواهد آورد. (بهار، ۱۳۷۲: ۱۴۷)

در مصر نیز با گریه غله را می‌کاشتند و در واقع خدایان گریان همان خدایان آب هستند که ویژگی تانیث نیز داشته‌اند.

نگاهی به داستان‌های کهن فارسی خصوصاً داستان‌های شاهنامه که ریشه در اسطوره‌های کهن دارد، این حقیقت را بازگو می‌کند که زنان در اولین رویارویی با مردان جهت برقراری ارتباط عاطفی برای آنان شادی آرزو می‌کنند و در واقع فتح بابی برای مذاکرات بعدی می‌شود.

در داستان زال و رودابه که یکی از غنایی ترین قسمت‌های شاهنامه است رودابه پس از دیدن زال:

که شاد آمدی ای جوانمرد شاد	دو بیجاده بگشاد و آواز داد
بر آن کس که او چون تو فرزند زاد	درود جهان آفرین بر تو باد
چنانی سراپای کو کرد یاد	پرستنده خرم دل و شاد باد

و زال نیز در پاسخ، دیدار او را شادی آفرین ذکر می‌کند:

درودت ز من آفرین از سپهر	چنین داد پاسخ کهای ماه چهر
نماید به من رویت اندر نهان	همی خواستم تا خدای جهان
بدین چرب گفتار با ناز تو	کنون شاد گشتم به آواز تو

قبل از ادامه این بحث بهتر است به نکته‌ای اشاره شود و آن این است که در عصر حاضر پیروان مکتب روان‌شناسی "یونگ" که پرستش ایزد بانوان را در عهد باستان به عنوان یک اصل مسلم پذیرفته‌اند به این نتیجه رسیده‌اند که "انسان امروزی به طور ناخودآگاه و به شکل‌های گوناگون نسبت به کهن الگوی مادر اولیه ابراز شوق می‌کند. آنان بیماران بسیاری را در کلینیک‌های روانی خود مورد درمان قرار داده و پس از بررسی حالات و تعبیر رویاهای آنان مایه‌ای واحد و اصیل یافته‌اند که گرایش نسبت به بازگشت به آغوش، "کهن مادر بزرگ" را می‌توان به آن اطلاق کرد. این مکتب با

زبان علمی یادآور شده که هر نوع تقدس و الوهیت منهای عنصر زنانه قادر نیست انسان را به سرچشمه زلال رضایت، خرسندی و شادمانی برساند و انسان امروز در محاصره مفاهیم و پدیده هایی که یکسره مردانه است، تبدیل به موجودی نا متعادل و خشن و نامهربان است" (لاهیجی / کار، ۱۳۷۱: ۹۲)

دوباره به بحث قبلی بر می گردیم که موید این نظریه می باشد. فردوسی در آغاز سروden داستان بیژن و منیژه به گفته خودش دچار نوعی سردرگمی و پریشان خاطری بوده است. او پس از توصیف شبی تیره و غمبار و نفس گیر برای بارگرداندن آرامش خود چاره‌ای جز پناه بردن به همسرش ندارد:

یکی مهربان بودم اندر سرای	بدان تنگی اندر بجستم ز جای
برفت آن بست مهربانم زیاغ	خروشیدم و خواستم زو چراغ
شب تیره خوابت نیاید همی	مرا گفت: شمعت چه باید همی
یکی شمع پیش آر چون آفتاب	bedo گفتم ای بت نی ام مرد خواب
به چنگ آر چنگ و می آغاز کن	بنه پیشم و بزم را ساز کن
برافروخت رخشناه شمع و چراغ	بیاورد شمع و بیامد به باغ
روان راز درد و غم آزاد دار	مرا گفت برخیز و دل شاد دار
تو گفتی که هاروت نیرنگ باخت	گهی می گساریدو گه چنگ ساخت
که بر من شب تیره نوروز کرد...	دلم بر همه کار پیروز کرد
(فردوسي، ۱۳۷۳: ۱)	

سپس طبق همان اصل پناه بردن به آغوش کهن مادر اولیه عمل می کند:

یکی داستان امشبم باز گو	بدان سرو بن گفتم ای ماهرو
bedo اندر درون خیره ماند سپهر	که دل گیرد از مهر او فر و مهر

نتیجہ گیری

با این توضیح و با توجه به نقش زنان در آفرینش شادی می‌توان به این نتیجه رسید که بازگشت به آغوش کهن مادر او لیه به عنوان یک اصل درمان گر در روان پریشی‌های بشر امروز موثر بوده و نمی‌توان نقش شادی آفرینی زنان در زندگی ماشینی امروز را نادیده گرفت. در باور بسیاری از جوامع آسیای میانه خصوصاً در افغانستان لخند عروس، در شب عروسی، نشانه سالی، پر باران و پر خیر و برکت است.

(٢٠٥:٢٠١١:ص)

لذا عنصر زنانه‌ای چون آب، زمین و گیاه را می‌توان اصل و منشا شادمانی، آبادانی و آرامش دانست و زن به عنوان تجسم عینی این اسطوره‌های شادی آفرین به طور فطری و ناخواسته وظیفه شادی بخشی اجتماع انسانی را بر عهده دارد. بنا بر این نقش زنان در ساختار روانی اجتماع با مبنای قرار دادن اصل "شادمانی" نقشی غیر قابل انکار پا بر دید است.

بازگشت انسان‌ها به زمین بر تقدس مینوی آن تاکید می‌کند و پاسداشت مظاهر این مادر کبیر از جمله وظایفی است که بر دوش انسان‌ها نهاده شده است. حفظ و نگهداری طبیعت به عنوان مهم ترین عنصر در اعطای آرامش روحی انسان‌ها و شادمانی در آغوش پر مهر طبیعت، زنانه بودن عنصر شادی را تقریباً ثابت می‌کند. اختصاص یافتن نام‌هایی چون شادی، سرور، فرح، یستا، بهجت، عشرت، مینو، پر دیس، فردوسی، طوبیه، رضوان و... بر روی دختران نیز به این ادعای صحه می‌گذارد.

منابع

- ۱- قرآن کریم
- ۲- آموزگار، زاله / تفضلی، احمد. اسطوره زندگی زردشت، تهران: قطره، ۱۳۷۰.
- ۳- آموزگار، زاله، تاریخ اساطیری ایران، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی (سمت)، ۱۳۸۹.
- ۴- بهار، مهرداد. پژوهشی در اساطیر ایران، تهران: آگه، ۱۳۷۲.
- ۵- بیرونی، ابوریحان. التفہیم، زیر نظر اکبر ایرانی، تهران: اهل قلم، ۱۳۸۴
- ۶- ترکمان، اسکندریگ. تاریخ عالم آرای عباسی، تصحیح ایرج افشار، تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۲
- ۷- حسینی فراهانی، ابوالحسن. شرح مشکلات دیوان انوری، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۴۰.
- ۸- حمیدیان، سعید. شاهنامه فردوسی، تهران: قطره، ج ۵، ۱۳۷۳.
- ۹- رضی، هاشم، گاه شماری و جشن‌های ایران باستان، بهجهت، تهران، ۱۳۷۱
- ۱۰- روح الامینی، محمود، آیین‌ها و جشن‌های کهن در ایران امروز، آگاه، تهران، ۱۳۷۶.
- ۱۱- سیلیگمن، مارتین. شادمانی درونی، ترجمه مصطفی تبریزی، تهران: نشر دانشه، ۱۳۸۹
- ۱۲- عابدوف، داداچان. رسوم و عقاید مردم دری زیان افغانستان ریال دوشنبه: ۲۰۱۱
- ۱۳- عطار نیشابوری، فریدالدین. منطق الطیر / محمدرضا شفیعی کدکنی (مصحح). تهران: سخن، ۱۳۸۹
- ۱۴- قزوینی، محمد / غنی، قاسم. دیوان خواجه شمس الدین حافظ شیرازی، تهران: زوار، ۱۳۷۸.
- ۱۵- گریمال، پی. اساطیر جهان (۱) / مترجم: مانی صالحی علامه، تهران: نشر مهاجر، ۱۳۸۵

۱۶- لاهیجی، شهلا / کار، مهرانگیز. شناخت هویت زن ایرانی، تهران: روشنگران،

۱۳۷۱

۱۷- مسعود سعد سلمان. دیوان اشعار / پرویز بابایی (به اهتمام). تهران: نگاه، ۱۳۸۴

۱۸- نسفی، عزیزالدین، انسان، تصحیح مژیران موله، تهران: انجمن ایران شناسی

فرانسه در ایران، ۱۳۸۹

۱۹- هینلز، جان، شناخت اساطیر ایران، ترجمه ژاله آموزگار، احمد تفضلی، نشر چشم،

تهران، ۱۳۷۱

۲۰- یاحقی، محمد جعفر، فرهنگ اساطیر و اشارات داستانی، تهران: سروش: ۱۳۷۲



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتوال جامع علوم انسانی